

## ..... روابط انسان در قرآن

محمد خطیبی کوشک

محقق و نویسنده

### چکیده

قرآن کریم مهم‌ترین منبع انسان‌شناسی است. انسان‌هنگامی که پا به حیات مادی می‌گذارد و در زمین مستقر می‌شود، مسافری است که به کاروان سرای دنیا وارد می‌گردد. او با فطرت خود توجه دارد که دست قدرت خدایی دانا و حکیم او را به این کره خاکی آورده است و همسایه دیگر آفریدگان خود قرار داده است. از این رو، از پرسش‌های اساسی‌ای که ذهن بشر را به خود جلب می‌کند، نحوه تعامل او با دیگر موجودات است. ریشه این روابط در فطرت انسان به ودیعت نهاده شده است. با وجود این برای شکوفایی و عملیاتی کردن آنها نیازمند هدایت و راهنمایی خالق متعال است. این مقاله پاسخ پرسش‌های اساسی ذیل است:

۱. رابطه‌ام با خدا چگونه باشد؟

۲. رابطه‌ام با خویشتن چگونه باشد؟

۳. رابطه‌ام با دیگر مخلوقات چگونه باید باشد؟

پژوهش جامع درباره این پرسشها از امکان این مقاله افزون است. از این رو به اختصار نکاتی در این باره اشاره می‌شود.

کلید واژه‌ها: روابط انسانی، رابطه با خود، رابطه با خدا، رابطه با محیط

## مقدمه

قرآن مجید سه نوع رابطه را برای انسان بیان کرده است:

۱. رابطه انسان با خودش.

۲. رابطه انسان با خدا.

۳. رابطه انسان با محیط.

## رابطه انسان با خودش

در بیان قرآن، رابطه انسان با خودش از شهادت او بر خویش در عالم الست (پیمان فطری خدا و انسان) شروع می‌شود و در روز رستاخیز به اوج خود می‌رسد. درباره میثاق عالم ذر چنین می‌فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (اعراف: ۱۷۲)

و درباره شهادت روز قیامت نیز می‌فرماید:

وَيَوْمَ يُعْرَضُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا... (احقاف: ۳۴)

روابط انسان با خودش در دو بخش قابل پیگیری است. روابط شناختی و روابط عملی. در روابط شناختی سخن از شناخت انسان از خود و داوری‌های او درباره خویش مطرح است. اما در روابط عملی، عملکردهای انسان نسبت به خودش بررسی می‌گردد.

در حوزه روابط شناختی انسان با خودش، ریشه‌ای‌ترین نوع رابطه، خودشناسی است. در ادبیات دینی به این نوع رابطه، معرفه النفس گفته می‌شود. می‌توان گفت قرآن مجید سراسر، کتاب انسان‌شناسی است. بیشتر این آیات و آموزه‌های قرآن، صفات نیک و بد انسان و باید و نبایدهای زندگی او را معرفی می‌کند.

اهل بیت علیهم السلام که همتای قرآن‌اند نیز در این باره رهنمودهای فراوانی ارائه داده‌اند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: كُنْ بِالْمَرْءِ مَعْرِفَةً أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ وَ كُنْ بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَجْهَلَ نَفْسَهُ.<sup>۱</sup> و می‌فرماید: أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ.<sup>۲</sup>

در حوزه روابط عملی، رابطه انسان با خویش شامل همه فعالیت‌های او و ارتباطات او با

دیگران می‌شود. از نظر قرآن انسان در روابط خود با خود و با محیط پیرامونی خود در حقیقت رابطه با خود را تحقق می‌بخشد. انسان هر چه با غیر می‌کند در واقع برای خود می‌کند.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (اسراء: ۷)

انسان وقتی عملی انجام می‌دهد یا احسان به خود است و یا ظلم به خویش:

وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ (صافات: ۱۱۳)

احسان انسان به خود در نیکی به دیگران، شکرگزاری، تزکیه نفس، و... جلوه گر می‌شود. چنانکه ستم بر خویش نیز در خیانت، خودفریبی، دشمنی و گمراهی و... پدیدار می‌گردد.

### رابطه انسان با خدا

نکته‌ای که در فهم رابطه انسان با خدا شایسته یادآوری است این است که بدانیم رابطه انسان با خدا از چه نوع ارتباطی است. از این رو، بررسی انواع روابط در اینجا اهمیت دارد:

الف. رابطه حسی و مادی: این نوع رابطه، ارتباطی است که میان پدیده‌های طبیعت وجود دارد. رابطه گیاه با نور خورشید، ریشه‌های درختان با انرژی‌های زمین، آب و هوا و ... ، رابطه میان دستگاه‌های مختلف بدن انسان با یکدیگر و ...

ب. رابطه اعتباری: این نوع رابطه گونه‌ای قرار داد و جعل اعتبار است. رابطه مالک با مملوک، رئیس با مرئوس، دولت با ملت و... این نوع رابطه مخصوص اجتماعات و افراد انسانی است.

ج. رابطه معنوی: این گونه ارتباط بر دو قسم است: اول: رابطه وجودی و تکوینی مانند ارتباط میان علت فاعلی و معلول. آفریدگار با آفریده، رابطه نفس انسانی با ادراکات و فطریات و... دوم. رابطه تشریحی که رابطه‌ای باطنی است و قابل لمس و قابل قرار داد و جعل هم نیست. رابطه عبودی انسان با خدا و دین از این نوع است.

از میان روابط یاد شده، رابطه انسان با خدا از نوع رابطه معنوی است. رابطه انسان با خدا اگر چه به عنوان رابطه خالق و مخلوق، علت فاعلی با معلول خود، رابطه وجودی و تکوینی است و از حیث اختیار و قدرت انسان خارج است، اما قسم دوم رابطه انسان با خدا یعنی رابطه تشریحی در محدوده اختیار و قدرت بشر واقع است.

حقیقت انسان که همان جان و روح او است و مرتبه عالی وجود آدمی را تشکیل می‌دهد، قابلیت دارد با خدای متعال رابطه داشته باشد. رابطه انسان با خداوند علاوه بر رابطه تکوینی، رابطه‌ای معنوی بر اساس محبت و عشق هم هست. چنین رابطه سرشار از معنویت است که از ویژگی‌های روح متعالی انسانی است. لذا تنزل یافتگان در حیوانیت، از مرز حس و اعتبار فراتر نمی‌روند. رابطه معنوی انسان با خدا بر پایه چهار شرط استوار است:

۱. معرفت صحیح از خود: انسان در فرایند خودشناسی می‌تواند به جایی برسد که درک کند موجودی مستقل و بی‌نیاز نیست. بلکه سراسر وابستگی، فقر و نیاز است. با وجدان این حقیقت انسان می‌یابد که وجودش ربط محض و تعلق شدید به حقیقت مطلق و متعالی یعنی خداوند است. انسان می‌تواند به این واقعیت دست پیدا کند که وجودش فراتر از طبیعت است و حقیقتی ورای ماده و طبیعت دارد که سراسر ربط به خداوند بی‌نیاز است. انسان در سیر شناخت از خود به جایی می‌رسد که می‌یابد آیه و نشانه حق است. آیه و نشانه صرفاً نشان دهنده و جلوه صاحب خویش است. این گونه معرفت، همان نگاه فقری به خود داشتن است که مقدمه معرفت به غنی مطلق می‌گردد: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ».

۲. معرفت خدا: منظور آن است که انسان بداند تمام قدرتها، کمالات، اسمای حسنی، قضا و قدر و... همه از خداوند متعال است. او مالک و صاحب اختیار مطلق هستی است.

۳. ایمان قلبی. منظور آن است که آدمی با تمام وجود، تسلیم حق شود. ایمان معلول شناخت خداوند است، آنگاه که معرفت قلبی به خداوند تحقق یافت، ایمان هم حاصل می‌شود. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: **الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ**<sup>۳</sup> و نیز می‌فرماید: **أَفْضَلُكُمْ إِيْمَانًا أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً**<sup>۴</sup>.

۴. اخلاص. آن چه موجب می‌شود رابطه معنوی انسان با خدا تقویت شود اخلاص در اندیشه و عمل است. عامل عمده چنین اخلاصی بریدن از غیر اوست. البته بریدن از غیر به معنای ترک مطلق نیست. منظور آن است که انسان به غیر خدا دل سپاری و وابستگی روحی نداشته باشد. انگیزه اصلی او در اندیشه و عمل خداوند باشد.

اخلاص، معلول آزادی از تعلقات است که خود دارای مراتب است. از این رو، رهایی از تعلق هر قدر بیشتر باشد اخلاص نابتر می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ غَائِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِ إِلَيْهِ...

## روابط انسان با محیط

محیط، همه پدیده‌ها و اشیای پیرامون انسان را دربرمی‌گیرد. محیط یا محیط انسانی است و یا محیط طبیعی. محیط انسانی شامل همه انسان‌ها و جوامع بشری می‌شود. و محیط طبیعی سایر موجوداتی است که به نحوی با انسان ارتباط دارد. از حیوانات، نباتات، جمادات و کرات آسمانی و...

انسان و جهان مادی. جهانی که ضیافت‌کننده انسان است از پدیده‌های گوناگون اطراف ما فراهم آمده است. زمین و هر چه بر آن است از کوه‌ها، دشت‌ها، معادن، جنگل‌ها، گیاهان و حیوانات و... این موجودات اموری مستقل از ما هستند و در بیرون از وجود ما زیست می‌کنند. این حقایق بیرونی تنها موجودات، عالم هستی نیستند، زیرا که جهان خلقت بسی عظیم‌تر از آنان است. عوالمی برتر و والاتر از عالم دنیا وجود دارد که دنیا به لحاظ پایین‌تر و یا پست‌تر بودن مرتبه‌اش از آنها، دنیا خوانده شده است.

جهان مادی با ما در ارتباط است و در اثر این ارتباط گرایشهای مختلفی در ما پدید می‌آید و قوای نهفته ما به فعلیت و شکوفایی می‌رسد. از نظرگاه قرآن، جهان خارج از ما که طرف رابطه با ما است بیش از یک جهان که آفریده خالق و خداوندگار یگانه است، نیست:

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ (رعد: ۱۶)؛ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (فرقان: ۲)

این جهان و هر چه در آن است از آفرینش زیبا برخوردار است:

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ (سجده: ۷)

در درون این جهان زیبا هر ذره‌ای با هدایت الهی، راهی را می‌پوید که خواسته او است:

رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه: ۵۰)

جهان مخلوق آفریدگاری است که احسن الخالقین است (مؤمنون: ۱۴)

از این رو، جهان و انسان که گل سرسبد هستی است، بهترین آفریده حق‌اند و نظام عالم نظام احسن است. این جهان آینه‌آسمای حسنی الهی است. به هر سو بنگری و در هر چه بیندیشی رخساره دوست نمایان و نشانه‌های او پیدا است:

فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا فَمَّ وَجْهَ اللَّهِ (بقره: ۱۱۵)

نظام هدفدار جهان آکنده از نشانه‌هایی است که اندیشه‌ورزان را به سوی خداوند

فراخوان می‌کند:

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ  
يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (رعد: ۳)

نشانه‌های الهی در همه ساحت‌های زندگی انسان، از درون جان وی گرفته تا کرانه‌های  
جهان آفرینش حضور دارند:

سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدٌ (فصلت: ۵۳)

باری جهان و محیط اطراف انسان، آفریده‌های خداوند حکیم و نشانه‌های وجود کامل  
اوست. این پدیده‌ها با زیبایی و حسن خویش اندیشه‌ورزان انسانی را به سوی خالقشان راه  
می‌نمایند که این از مهمترین نمونه‌های ارتباط انسان با محیط است.

انسان می‌تواند از این نوع ارتباط با محیط به خوبی بهره بگیرد و برای گرایش‌های مختلف  
خود به جهان پاسخ‌های معقولی پیدا کند. اگر جهان به مطالبات انسان از جهان پاسخی دهد  
که وی را بر زیبایی‌های گیتی واقف کند و او را خدایین کند، دنیای درونی انسان با جهان واقعی  
مطابقت پیدا می‌کند و چنین جهانی سراسر خیر است و از نکوهش و مذمت مبرا است. چنین  
جهانی جهت رو به بالا دارد و هدایت آفرین است. اما اگر جهان به گرایش‌ها و خواسته‌های  
انسان پاسخی دهد که زیبایی و جذابیت جهان و جهان آفرین را وارونه جلوه دهد و غفلت را بر  
دل و دیده انسان عارض کند، چنین عالمی، خیر، زیبا و آینه خدای نما نخواهد بود. این دنیای  
وارونه رو به پایین دارد و شرّ و مذموم است. این دنیا در روایات و سخنان پیشوایان بزرگ ما  
نکوهش شده است.

دنیا را چون مزرعه‌ای برای آخرت دانستن و در حقایق آن تدبیر کردن و به خدا رسیدن  
نیازمند دانایی و پرهیزکاری است.

رو آوردن به دنیا و ارضای خواسته‌های متنوع خود با استفاده از آن برای همه ضروری  
است. این میل‌ها رابطه انسان با دنیا را لغزان و دشوار می‌کند. همسر، فرزند، اموال، مشاغل و  
مناصب که زینت دنیا و بستر تقرب به خداوند هستند. و انسان را از نزدیک شدن به آنها گزیری  
نیست، عوامل عمده برای ارضای خواسته‌های غریزی انسان می‌باشند. و آدمی زاده برای گذر  
از این جهان فانی به آنها نیازمند است. خواه مؤمن عارف باشد یا فاسق غفلت زده؛ همه از

تصرف در این عالم گریزی ندارند. از همین رو همه در خطرند که غافل شوند و گمان برند که زندگی همین است و بس؛ و در نتیجه در التذات دنیوی غرق شوند.

قرآن مجید برای تعامل صحیح انسان با جهان، زنگ خطر را به صدا درآورده و چنین هشدار می‌دهد:

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (آل عمران: ۱۸۵)

و برای اینکه بشر توجه کند که فرصت التذات حیوانی در این عالم پایان پذیر است و حیات ابدی در پی آن آغاز می‌گردد که دستاورد و باطن اعمال نیک و بد انسان در این عالم است می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (فاطر: ۵)

شاگرد ممتاز مکتب قرآن امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز درباره فریبندگی دنیا تمثیل زیبایی دارد:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهًا وَ السَّمُّ النَّافِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْعُرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ.

آن چه با دقت در آیات و روایات و سیره اولیای الهی بدست می‌آید آن است که درباره واقعیت و مفهوم دنیا دو گونه تلقی وجود دارد:

اول. دنیا عالمی است که در مقابل آخرت قرار دارد و دوره حیات این جهانی انسان است. دوم. دنیا همان محیط پیرامونی انسان است که مشتمل بر بی‌شماری پدیده است. پدیده‌های که آفریدگار آنها خدای دانا و مهربان است. از این دو تلقی دنیا، دنیایی که به معنای فرصت حیات و حضور این جهانی ما است نه مذموم است و نه ممدوح؛ اما دنیایی که به محیط پیرامونی ما اطلاق می‌شود، مطلوب و محبوب است. زیرا مسجد دوستان خدا و مصلاهی فرشتگان و اولیای الهی و تجارتخانه بندگان خدا است. امام پرهیزکاران، علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ غَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنًى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا، مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهَبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَثَجَرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

دنیایی که در برابر آخرت است نیز برای بندگان با تقوای خدا مغتنم و مبارک است. چنانکه امام علی علیه السلام آن را چنین وصف می‌کند:

بندگان خدا بدانید پرهیزکاران بهره دنیای گذرا و آخرت دیرپا را بردند. با مردم دنیا در دنیایشان شریک شدند و مردم دنیا با آنان در آخرتشان شریک نبودند. در دنیا به بهترین زیستی زندگی کردند و نعمت دنیا را خوردند بهترین خوردن؛ پس از دنیا چون ناز پروردگان نصیب بردند.<sup>۶</sup>

اکنون می‌دانیم دنیا دو گونه است: مذموم و ممدوح. و نیز می‌دانیم که جهان پیرامون ما مخلوق خدا است و مخلوق خدا بهترین آفریده‌ای است که زیبایی و جمال وصف او است و همه اجزا و پدیده‌های آن آیه‌های خداوند هستند. بنابراین چنین جهانی مذموم نیست و نمی‌توان آن را نکوهید. آن چه که مذموم و قابل نکوهش است نسبت و تعاملی است که ما با جهان برقرار می‌کنیم و آن را کشتزار و تجارتخانه زندگی گذران دنیایی خود قرار می‌دهیم، نه مزرعه آخرت و محل داد و ستد با پروردگار خود. چنانکه قرآن و پیامبر (ص) و خاندان معصومش به ما آموختند:

هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* ... (ص: ۱۳-۱۰)

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود:

الدنيا مزرعة الآخرة.

اگر بخواهیم رابطه مناسب و تعالی‌افزا با دنیا داشته باشیم باید به این حقیقت برسیم که دنیا خانه ماندن نیست. زیرا وطن نهایی ما جایی است ابدی؛ و زمانه ما بسی طولانی‌تر از حیات گذران دنیای فانی است. امام علی (ع) کارشناس اعلا‌ی انسان و جهان چه زیبا یادآوری می‌کند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمْرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ... وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِيهَا اخْتَبَرْتُمْ وَ لِعِيرِهَا خُلِقْتُمْ.<sup>۷</sup>

در پایان نمودارهایی از روابط انسان با استفاده از آیات نورانی قرآن به اختصار به عنوان نتیجه تقدیم می‌گردد:



۱. خودشناسی (قیامت، ۱۴؛ طلاق، ۵)
۲. مراقبت (حشر، ۱۸)
۳. محاسبه (مائده، ۱۰۵)
۴. تزکیه و تعلیم (بقره، ۵۱؛ جمعه، ۲)
۵. توبه (نساء، ۱۷؛ اعراف، ۱۷۹ و...)
۶. تقوا (بقره، ۲۳۱ و ۲۳۳ و ۲۷۸ و...)
۷. اخلاص (نساء، ۱۴۶؛ اعراف، ۲۹ و...)

۱. مثبت

۱. روابط انسان  
با خود

۱. غفلت (یونس، ۷؛ روم، ۷ و...)
۲. معصیت (بقره، ۶۱؛ آل عمران، ۱۱۲ و...)
۳. تکبر (اعراف، ۱۴۶؛ بقره، ۸۷ و...)
۴. شرب خمر (مائده، ۹۰، ۹۱)
۵. قمار (مائده، ۹۰)

۲. منفی

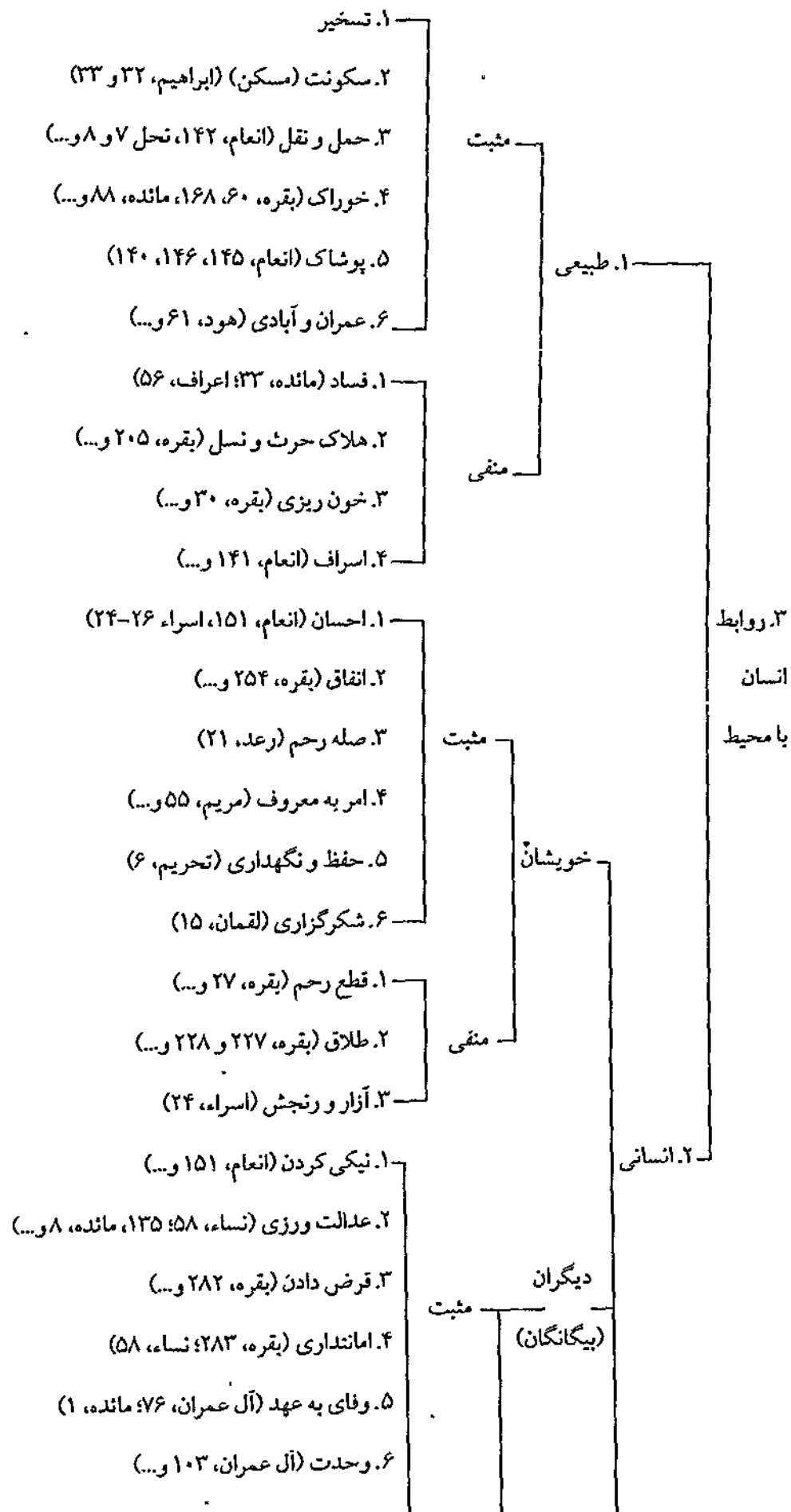
۱. شناخت خدا (ابراهیم، ۱۰؛ محمد، ۱۹)
۲. محبت به خدا (بقره، ۱۶۵ و...)
۳. اسلام (آل عمران، ۲۰ و...)
۴. ایمان (مائده، ۹۳ و...)
۵. هجرت (نساء، ۱۰۰ و...)
۶. جهاد در راه خدا (نساء، ۷۶ و ۹۵ و...)
۷. ولایت (مائده، ۵۵ و ۵۶ و...)
۸. اطاعت (نساء، ۶۹ و...)
۹. عبادت (نساء، ۳۶ و...)
۱۰. تجارت (صف، ۱۳-۱۰، توبه، ۱۱۱ و...)
۱۱. حیات و امامت (یونس، ۵۶ و...)
۱۲. روزی (یونس، ۲۳ و...)

مثبت

۲. روابط انسان  
با خداوند

۱. کفر (بقره، ۶ و...)
۲. شرک (نساء، ۴۸ و ۱۱۶ و...)
۳. نفاق (بقره، ۲۰-۸؛ نساء، ۱۳۸ و...)
۴. ریا (نساء، ۱۴۲، ماعون، ۶ و...)
۵. عداوت (بقره، ۹۸ و...)

منفی



روابط انسان با محیط	دیگران	مثبت
		۷. امر به معروف (آل عمران، ۱۰۴ و...)
		۸. تعاون (مائده، ۲ و...)
		۹. برادری (حجرات، ۱۰)
		۱۰. عفو و اعراض (اعراف، ۱۹۹)
		۱۱. صدقات (بقره، ۲۷۱ و...)
		۱۲. زکات (نور، ۳۷ و...)
		۱۳. خمس (انفال، ۴۱)
		۱. حسد (ناس، ۵، بقره، ۱۰۹ و...)
		۲. اذیت (بقره، ۲۶۴ و...)
		۳. منت (مدثر، ۶ و...)
		۴. رباخواری (آل عمران ۱۳)
		۵. کتمان شهادت (بقره، ۲۸۳ و...)
		۶. مال یتیم خوری (نساء، ۱۰؛ انعام ۱۵۲)
		۷. بخل (نساء، ۱۸۰؛ محمد، ۳۸ و...)
		۸. نزاع (انفال، ۴۶؛ آل عمران، ۱۵۲ و...)
		۹. قتل (نساء، ۹۳، انعام، ۱۵۱ و...)
		۱۰. اسارت (دهر، ۴؛ بقره، ۸۵ و...)
		۱۱. سرقت (مائده، ۳۸ و...)
		۱۲. مال اندوزی (توبه ۳۴ و...)
		۱۳. کم فروشی (مطفین، ۱ و...)
		۱۴. زنا (اسراء، ۳۲ و...)
		منفی

- |                               |      |                    |
|-------------------------------|------|--------------------|
| ۱. ولایت (مانده، ۵۵ و...)     | مثبت | رابطه با<br>رهبران |
| ۲. اطاعت (نساء، ۵۹ و ۸۰ و...) |      |                    |
| ۳. معیت (فتح، ۲۹ و...)        |      |                    |
| ۴. محبت (شوری، ۲۳ و...)       |      |                    |
| ۱. عصیان (هود، ۵۹ و...)       | منفی |                    |
| ۲. رویگردانی (مانده، ۵۶ و...) |      |                    |
| ۳. قتل (نساء، ۱۵۵ و...)       |      |                    |
| ۴. انکار (نمل، ۱۴ و...)       |      |                    |
| ۵. جنگ (آل عمران، ۱۴۶ و...)   |      |                    |

پی نوشتها:

۱. شرح غرر، خوانساری، ج ۴، ص ۵۷۵.
۲. همان، ج ۶ ص ۱۴۸.
۳. بحار الانوار، ج ۶۹ ص ۶۴.
۴. بحار، ج ۳، ص ۱۴.
۵. نهج البلاغه، فیض، حکمت ۱۲۶.
۶. همان، نامه ۲۷.
۷. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳.